Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

Analysis and Critique of European Union Competition Law Rules and Practices from the Perspective of Public Economic Law

1. Hooman Sadeghi: PhD Student, Department of Public Law, University of Tehran (Kish Campus), Tehran, Iran
2. Vali Rostami*: Professor of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: vrostami@ut.ac.ir (Corresponding Author)
3. Nader Mirzadeh Kouhshahi: Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

ABSTRACT

Using an analytical–descriptive method and relying on primary legal and documentary sources of the European Union, this study seeks to answer the following question: How can the rules and practices of European Union competition law be analyzed from the perspective of public economic law? The findings indicate that European Union competition law constitutes one of the most important legal instruments for ensuring the proper functioning of the internal market and safeguarding effective competition within the Union's economy. Based on the fundamental provisions of the Treaty on the Functioning of the European Union, particularly Articles 101 and 102 TFEU, as well as the rules governing merger control and cooperation among competition authorities, this legal regime provides a comprehensive framework for addressing anticompetitive conduct by undertakings. The principal objective of these rules is to prevent the creation or reinforcement of market power in a manner capable of undermining effective competition, consumer welfare, and economic innovation. From an institutional perspective, the European Union's competition policy also benefits from a relatively effective structure. The European Commission, as the principal authority responsible for enforcing competition rules, possesses extensive investigative and decision-making powers, while its decisions remain subject to judicial review by the General Court and the Court of Justice of the European Union. In addition, the establishment of the European Competition Network (ECN) has strengthened cooperation between the Commission and the national competition authorities of the Member States and has facilitated more coordinated enforcement of competition rules throughout the Union. This institutional framework has contributed to making the European Union one of the most effective competition-law enforcement systems worldwide.

Keywords: *European Commission, European Union, competition policy, General Court of the European Union, Court of Justice of the European Union.*

How to cite: Sadeghi, H., Rostami, V., & Mirzadeh Kouhshahi, N. (2027). Analysis and Critique of European Union Competition Law Rules and Practices from the Perspective of Public Economic Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, *9*(4), 1-23.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 05 May 2026
Revise Date: 15 September 2026
Accept Date: 21 September 2026
Initial Publish Date: 21 October 2026
Final Publish Date: 23 October 2027

پژوهش‌های تطبیقی فقه،
حقوق و سیاست

تحلیل و نقد قواعد و رویه‌های حقوق رقابت اتحادیه اروپا از منظر حقوق عمومی اقتصادی

۱. هومن صادقی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران (پردیس کیش)، تهران، ایران
۲. ولی رستمی*: استاد، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. پست الکترونیک: vrostami@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. نادر میرزاده کوهشاهی: دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهرن، ایران

چکیده

این تحقیق، با روش تحلیلی – توصیفی و با تکیه بر منابع دست اول حقوقی و اسنادی از اتحادیه اروپا در پی پاسخ به این سؤال است که قواعد و رویه‌های حقوق رقابت اتحادیه اروپا از منظر حقوق عمومی اقتصادی چگونه می باشد؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حقوق رقابت اتحادیه اروپا یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی برای تضمین کارکرد صحیح بازار داخلی و حفظ رقابت مؤثر در اقتصاد اتحادیه محسوب می‌شود. این نظام حقوقی با تکیه بر مقررات اساسی معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، به‌ویژه مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ *TFEU*، و همچنین مقررات مربوط به کنترل ادغام‌ها و همکاری میان مقامات رقابتی، چارچوبی جامع برای مقابله با رفتارهای ضدرقابتی شرکت‌ها فراهم کرده است. هدف اصلی این قواعد جلوگیری از ایجاد یا تقویت قدرت بازار به نحوی است که بتواند رقابت مؤثر، رفاه مصرف‌کنندگان و نوآوری اقتصادی را تضعیف کند.از منظر نهادی نیز سیاست رقابتی اتحادیه اروپا از ساختاری نسبتاً کارآمد برخوردار است. کمیسیون اروپا به عنوان مرجع اصلی اجرای قواعد رقابت دارای اختیارات گسترده تحقیق و تصمیم‌گیری است و در عین حال تصمیمات آن تحت نظارت دادگاه عمومی و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا قرار دارد. علاوه بر این، ایجاد شبکه رقابت اروپا (*ECN*) موجب شده است که همکاری میان کمیسیون و مقامات رقابت کشورهای عضو تقویت شود و اجرای قواعد رقابت در سراسر اتحادیه به شکل هماهنگ‌تری انجام گیرد. چنین ساختاری باعث شده است که اتحادیه اروپا یکی از مؤثرترین نظام‌های اجرای حقوق رقابت در سطح جهانی را داشته باشد.

واژگان کلیدی: *کمیسیون اروپا ، اتحادیه اروپا ،سیاست رقابتی، دادگاه عمومی اروپا و دیوان دادگستری اتحادیه.*

نحوه استناددهی: صادقی، هومن.، رستمی، ولی.، و میرزاده کوهشاهی، نادر. (۱۴۰۶). تحلیل و نقد قواعد و رویه‌های حقوق رقابت اتحادیه اروپا از منظر حقوق عمومی اقتصادی. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۹(۴)، ۲۳-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۲۴ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۹ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۶

مقدمه

در نظام‌های حقوقی معاصر، تنظیم روابط اقتصادی و تضمین کارکرد صحیح بازار از جمله مهم‌ترین وظایف دولت به شمار می‌رود. تجربه تحولات اقتصادی در دهه‌های اخیر نشان داده است که اتکای صرف به سازوکارهای بازار، بدون وجود قواعد و نهادهای تنظیم‌گر، می‌تواند به شکل‌گیری انحصار، تمرکز قدرت اقتصادی و در نهایت تضعیف رقابت منجر شود. ازاین‌رو، بسیاری از کشورها با توسعه حقوق رقابت و ایجاد نهادهای مستقل نظارتی، تلاش کرده‌اند تا تعادلی میان آزادی فعالیت‌های اقتصادی و ضرورت‌های تأمین منافع عمومی برقرار کنند. در این چارچوب، حقوق رقابت نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد اقتصادی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف گسترده‌تر اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

سابقه حقوق رقابت در اتحادیه اروپایی به پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه سال ۱۹۵۱ بازمی‌گردد، زمانی که شش کشور اروپایی معاهده زغال‌سنگ و فولاد اروپا را امضا کردند که هدف اصلی آن جلوگیری از تسلط مجدد دولت آلمان بر تولید زغال‌سنگ و فولاد و، به عبارت دیگر، جلوگیری از انحصارطلبی بود. هرچند برخی معتقدند نقش درج قواعد رقابتی در یک موافقت‌نامه منطقه‌ای چندجانبه، در توسعه حقوق رقابت اروپایی محدود بوده است، اما همین امر بعداً منجر به گنجاندن قواعد حقوق رقابت در معاهده رم شد. این معاهده، به لحاظ مسائل مربوط به حقوق رقابت، شامل یک دسته مقررات عمومی بود که تصویب قانون درباره حقوق رقابت را به‌عنوان یکی از اهداف بنیادین جامعه اروپا تلقی می‌کرد. در حال حاضر، قواعد رقابت اتحادیه اروپایی در مواد (۱۰۱) تا (۱۰۹) معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی، مواد ۸۱ تا ۸۹ معاهده (رم)، درج شده است. این قواعد با شناسایی و ممنوع کردن رفتارهای ضدرقابتی شرکت‌ها؛ نظیر ایجاد کارتل و انحصار در بازار، رقابت در بازار واحد اروپایی و حفظ منافع جامعه را تضمین می‌کنند. البته در کنار این ۹ ماده، تعدادی آیین‌نامه نیز وجود دارد و، به‌علاوه، رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی نیز در این زمینه بسیار غنی است.

رفتارهای ضدرقابتی در مواد (۱۰۱) و (۱۰۲) فصل اول عنوان پنجم معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی احصا شده‌اند؛ بدین‌ترتیب که در ماده (۱۰۱)، به‌طور خاص، هر موافقت‌نامه افقی، عمودی و هرگونه اقدام هماهنگی را که به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری، محدودیت یا انحراف از رقابت در بازار مشترک باشد یا چنین اثری داشته باشد، ممنوع می‌کند، مگر استثنائات مقرر در بند (۳) همین ماده. از سوی دیگر، ماده (۱۰۲) معاهده، سوءاستفاده از وضعیت مسلط از سوی یک یا چند بنگاه اقتصادی را در مواردی که چنین فعالیت‌هایی بر تجارت مشترک بین کشورهای عضو تأثیر می‌گذارد، ممنوع کرده است. این مواد تعریفی از رقابت، انحراف از رقابت و انحصار ارائه نمی‌دهد. اما در مقام جمع‌بندی توان گفت که تعریف حقوق رقابت در حقوق اتحادیه اروپایی عبارت است از: «حفاظت از رقابت در بازار مشترک از طریق ممنوع کردن رفتارهای ضدرقابتی شرکت‌ها به‌منظور جلوگیری از ایجاد کارتل و انحصارگری توسط آن‌ها.»

سیاست رقابتی اتحادیه اروپایی بازتاب چالش‌های موجود در اتحادیه و دیدگاه‌های اقتصادی رایج در آن است. در ابتدا، هدف از وضع قواعد رقابتی در اتحادیه اروپایی ایجاد بازار مشترک بود و حتی در مقدمه نهمین گزارش کمیسیون اتحادیه اروپایی در رابطه با سیاست رقابت تجاری آمده است که اولین و اساسی‌ترین هدف خط‌مشی رقابتی باید تلاش در مفتوح نگاه داشتن بازار مشترک و حفظ اتحاد باشد. در همین راستا، تدوین‌کنندگان معاهدات موجد اتحادیه اروپایی بر این باور بودند که در یک بازار مشترک، داشتن یک سیاست رقابتی واحد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و لذا مقرراتی کلی را در خصوص رقابت در این معاهدات درج کردند. برخی نیز معتقدند که اراده و اضعان حقوق رقابت

اتحادیه اروپایی از وضع قواعد رقابتی، فائق آمدن بر موانعی بود که توسط شرکت‌های خصوصی ایجادشده و تجارت بین دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی را دشوار می‌کرد.

علاوه بر موارد فوق، ضرورت وحدت سیاست رقابتی در بازار را نیز می‌توان از اهداف وضع قواعد رقابتی در اتحادیه اروپایی تلقی کرد. همین امر علت تأکید بر ممنوعیت و کنترل کمک‌های دولتی در قواعد رقابتی اتحادیه اروپایی را توضیح می‌دهد؛ زیرا در صورتی که کشورهای عضو اتحادیه بدون هیچ‌گونه محدودیتی قادر به تخصیص کمک‌های دولتی باشند، حذف موانع مربوط به تعرفه‌های تجاری و مقابله با موانع ایجادشده توسط شرکت‌های خصوصی نمی‌تواند یک بازار رقابتی واحد را تضمین کند. بنیان‌گذاران جامعه اروپایی بر این باور بودند که کمک‌های دولتی می‌تواند به شرکت‌ها مزیتی ناعادلانه بدهد که عملکرد بازار مشترک را تضعیف کند؛ لذا به دنبال محدود و مقنن کردن آن‌ها بودند. با تکمیل بازار واحد اروپایی در اوایل دهه ۱۹۹۰، سیاست رقابتی در اتحادیه اروپایی بیشتر به اهداف عادی یا عمومی حقوق رقابت؛ یعنی جلوگیری از انحراف از رقابت، نزدیک شد و از ایده وحدت بازار فاصله گرفت. این امر باعث تجدیدنظر در اولویت‌های سیاست رقابتی اتحادیه شد؛ بدین توضیح که اداره کل رقابت اتحادیه اروپایی شروع به مقابله بیشتر با رفتارهای ضدرقابتی دولت‌های عضو در قالب کمک‌ها و انحصارهای دولتی کرد.

به لحاظ ماهوی، مهم‌ترین اهداف حقوق رقابت در اتحادیه اروپایی عبارت‌اند از: تضمین رقابت عادلانه، پویایی بازارهای داخلی، افزایش توان رقابتی بنگاه‌های اقتصادی، تسهیل رقابت و ممنوعیت انحصار. علاوه بر این، کارایی اقتصادی و افزایش رفاه را نیز می‌توان در زمره اهداف وضع قواعد رقابتی در اتحادیه اروپایی دانست. در خصوص اینکه منظور از افزایش رفاه چیست، باید خاطرنشان کرد که از تحلیل بند ۳ ماده ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی و همچنین مراجعه به ادبیات حقوقی موجود، چنین برمی‌آید که هدف از حقوق رقابت نه افزایش رفاه کلی، بلکه افزایش رفاه مصرف‌کننده است و رفاه مصرف‌کننده مقدم بر رفاه تولیدکننده است.

به لحاظ موضوعی، با توجه به اینکه قواعد رقابتی لازم‌الرعایه در اتحادیه اروپایی در مواد (۱۰۱) تا (۱۰۹) معاهده عملکرد اتحادیه اروپایی درج شده‌اند و این معاهده را دولت‌های کشورهای عضو باید رعایت کنند، همچنین با توجه به تعریف بنگاه اقتصادی در رویه دیوان اروپایی دادگستری و نیز کمیسیون اروپا، می‌توان چنین استدلال کرد که در اتحادیه اروپایی نیز تفاوتی میان دولتی یا خصوصی بودن بنگاه اقتصادی وجود ندارد و صرف فعالیت اقتصادی، نهاد درگیر در فعالیت اقتصادی را ملزم به رعایت قواعد رقابتی می‌کند.

با این مقدمات و در این تحقیق به بررسی و مطالعه جایگاه اصل منافع عمومی در تصمیم‌گیری‌های شورای رقابت اتحادیه اروپا از منظر حقوق عمومی اقتصادی می‌پردازد.

ساختار نظام رقابت اتحادیه اروپا

نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا یکی از منسجم‌ترین و پیشرفته‌ترین نظام‌های تنظیم رقابت در جهان محسوب می‌شود. هدف اصلی این نظام، حفظ رقابت مؤثر در بازار داخلی اتحادیه اروپا، جلوگیری از رفتارهای ضدرقابتی بنگاه‌ها و حمایت از رفاه مصرف‌کنندگان است. با توجه به گستردگی بازار داخلی اتحادیه و فعالیت شرکت‌ها در سطح فراملی، وجود یک نظام حقوقی منسجم برای تنظیم رقابت میان بنگاه‌ها ضروری بوده است. ازاین‌رو، اتحادیه اروپا چارچوبی حقوقی و نهادی ایجاد کرده است که از طریق آن رفتارهای اقتصادی در بازار مشترک مورد نظارت قرار می‌گیرد.

مبنای حقوقی نظام رقابت اتحادیه اروپا در معاهده عملکرد اتحادیه اروپا پیش‌بینی شده است. مهم‌ترین مقررات در این حوزه، مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ این معاهده هستند. ماده ۱۰۱ توافق‌ها، تصمیمات و رویه‌های هماهنگ میان بنگاه‌ها را که موجب محدود شدن یا اخلال در رقابت در بازار داخلی می‌شود، ممنوع می‌کند. این مقرره عمدتاً به مقابله با رفتارهایی مانند کارتل‌ها، تبانی در قیمت‌گذاری و تقسیم بازار اختصاص دارد. در مقابل، ماده ۱۰۲ به ممنوعیت سوءاستفاده از موقعیت مسلط می‌پردازد و رفتارهایی را که از سوی بنگاه‌های دارای قدرت بازار انجام می‌شود و موجب اخلال در رقابت می‌گردد، مورد کنترل قرار می‌دهد. در کنار این مقررات، نظام رقابت اتحادیه اروپا شامل قواعد مربوط به کنترل ادغام و تمرکزهای اقتصادی نیز هست. این موضوع از طریق مقررات کنترل ادغام اتحادیه اروپا تنظیم می‌شود. بر اساس این مقررات، ادغام‌ها و تملک‌هایی که ممکن است موجب ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط در بازار شوند، پیش از اجرا باید توسط کمیسیون اروپا بررسی شوند. هدف از این نظارت پیشگیرانه، جلوگیری از شکل‌گیری ساختارهای انحصاری در بازار و حفظ رقابت مؤثر میان بنگاه‌ها است.

از نظر نهادی، اجرای قواعد رقابت در اتحادیه اروپا عمدتاً بر عهده کمیسیون اروپا است که به‌عنوان نهاد اجرایی اصلی سیاست رقابت عمل می‌کند. کمیسیون اروپا اختیار تحقیق درباره رفتارهای ضدرقابتی، صدور تصمیمات الزام‌آور و اعمال جریمه‌های مالی علیه بنگاه‌های متخلف را دارد. در کنار کمیسیون، دادگاه دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU) نیز نقش مهمی در تفسیر مقررات رقابت و نظارت قضایی بر تصمیمات کمیسیون ایفا می‌کند. همچنین مقامات ملی رقابت در کشورهای عضو نیز در چارچوب شبکه‌ای موسوم به شبکه رقابت اروپا با کمیسیون اروپا همکاری می‌کنند و در اجرای قواعد رقابت نقش دارند (Whish & Bailey, 2021).

در مجموع، ساختار نظام رقابت اتحادیه اروپا بر سه رکن اصلی استوار است: قواعد حقوقی مندرج در معاهدات اتحادیه، سازوکارهای نظارتی برای کنترل رفتارهای ضدرقابتی و ساختار نهادی متشکل از کمیسیون اروپا، دادگاه‌های اتحادیه و مقامات ملی رقابت. این ساختار چندسطحی موجب شده است که اتحادیه اروپا بتواند رقابت در بازار داخلی را به‌طور مؤثر تنظیم کرده و از شکل‌گیری انحصارها و رفتارهای مخل رقابت جلوگیری کند.

سؤالات تحقیق

سؤال نخست، این است: «مبانی حقوقی و اهداف عمومی حاکم بر حقوق رقابت اتحادیه اروپا، به‌ویژه در پرتو مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، چیست و چه نسبتی با اصول حقوق عمومی اقتصادی دارد؟»

سؤال دوم، چنین صورت‌بندی می‌شود: «ساختار نهادی و سازوکارهای اجرایی حقوق رقابت اتحادیه اروپا، به‌ویژه نقش کمیسیون اروپا، دادگاه عمومی، دیوان دادگستری و شبکه رقابت اروپا، تا چه اندازه با الزامات حکمرانی عمومی اقتصادی کارآمد و پاسخ‌گو سازگار است؟»

سؤال سوم نیز این است: «رویه‌های اجرایی و قضایی اتحادیه اروپا در حوزه حقوق رقابت تا چه اندازه توانسته‌اند میان حفظ رقابت مؤثر، رفاه مصرف‌کننده، نوآوری اقتصادی، آزادی بنگاه‌ها و مداخله عمومی تعادل برقرار کنند؟»

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه نخست آن است که: «حقوق رقابت اتحادیه اروپا صرفاً مجموعه‌ای از قواعد فنی بازار نیست، بلکه یکی از ابزارهای بنیادین حقوق عمومی اقتصادی برای تنظیم قدرت بازار، تضمین کارکرد صحیح بازار داخلی و حمایت از منافع عمومی اقتصادی به شمار می‌آید.»

فرضیه دوم چنین است: «ساختار نهادی اجرای حقوق رقابت در اتحادیه اروپا، علی‌رغم برخورداری از کارآمدی و هماهنگی نسبی، به سبب تمرکز اختیارات گسترده در کمیسیون اروپا، با چالش‌هایی از حیث توازن نهادی، پاسخ‌گویی عمومی و تضمین‌های دادرسی مواجه است.»

فرضیه سوم نیز این‌گونه بیان می‌شود: «رویه‌های حقوق رقابت اتحادیه اروپا اگرچه در کنترل رفتارهای ضدرقابتی و حفظ رقابت مؤثر موفق بوده‌اند، در برخی موارد به دلیل غلبه رویکرد فنی ـ اقتصادی و توسعه دامنه مداخله تنظیمی، در ایجاد تعادل میان آزادی اقتصادی، نوآوری و مداخله عمومی با محدودیت‌ها و انتقاداتی روبه‌رو هستند.»

مبانی حقوقی رقابت در اتحادیه اروپا

نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا بر مجموعه‌ای از قواعد حقوقی استوار است که هدف آن‌ها تضمین حفظ رقابت مؤثر در بازار داخلی اتحادیه اروپا و جلوگیری از رفتارهایی است که می‌توانند موجب اخلال در سازوکارهای رقابتی شوند. مهم‌ترین مبانی حقوقی این نظام در پیمان عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) پیش‌بینی شده است. در میان مقررات این پیمان، مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ نقش اساسی در تنظیم رفتار بنگاه‌ها در بازار دارند و به‌عنوان ستون‌های اصلی حقوق رقابت اتحادیه اروپا شناخته می‌شوند. این مقررات با هدف مقابله با توافق‌های محدودکننده رقابت و جلوگیری از سوءاستفاده بنگاه‌های دارای قدرت اقتصادی وضع شده‌اند و اجرای آن‌ها عمدتاً بر عهده کمیسیون اروپا و مقامات رقابت ملی در کشورهای عضو است.

ماده ۱۰۱ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا

ماده ۱۰۱ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) یکی از مهم‌ترین مقررات حقوق رقابت در اتحادیه اروپا است که هدف آن جلوگیری از توافق‌ها و هماهنگی‌هایی است که موجب محدود شدن رقابت در بازار داخلی اتحادیه می‌شوند. این ماده به‌طور کلی توافق‌ها و رفتارهای هماهنگ میان بنگاه‌ها را که اثر منفی بر رقابت دارند، ممنوع اعلام می‌کند.

بر اساس بند اول ماده ۱۰۱، هرگونه توافق میان بنگاه‌ها، تصمیمات انجمن‌های بنگاه‌ها و رویه‌های هماهنگ که ممکن است تجارت میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار دهد و هدف یا اثر آن جلوگیری، محدود کردن یا مخدوش کردن رقابت در بازار داخلی باشد، با بازار داخلی ناسازگار بوده و ممنوع است. این ممنوعیت به‌ویژه شامل رفتارهایی می‌شود که در آن‌ها بنگاه‌ها به جای رقابت واقعی در بازار، رفتار خود را با یکدیگر هماهنگ می‌کنند. در متن ماده نمونه‌هایی از این رفتارها ذکر شده است؛ از جمله تعیین مستقیم یا غیرمستقیم قیمت خرید یا فروش یا سایر شرایط معامله، محدود کردن یا کنترل تولید، بازارها، توسعه فنی یا سرمایه‌گذاری، تقسیم بازارها یا منابع تأمین، اعمال شرایط متفاوت برای معاملات مشابه با طرف‌های تجاری و تحمیل تعهدات اضافی در قراردادها که ارتباطی با موضوع قرارداد ندارند.

بند دوم ماده ۱۰۱ مقرر می‌کند که توافق‌ها یا تصمیماتی که مغایر با بند اول باشند، باطل و غیرقابل اجرا هستند. این حکم اهمیت زیادی دارد، زیرا علاوه بر امکان اعمال جریمه توسط کمیسیون اروپا، خود توافق نیز از نظر حقوقی فاقد اعتبار تلقی می‌شود.

با این حال، بند سوم ماده ۱۰۱ نوعی استثنا پیش‌بینی می‌کند. بر اساس این بند، توافق‌هایی که در ظاهر محدودکننده رقابت هستند، ممکن است در صورتی مجاز شناخته شوند که آثار اقتصادی مثبتی برای بازار داشته باشند. برای برخورداری از این استثنا، توافق باید چهار شرط اساسی را برآورده کند: نخست آنکه به بهبود تولید یا توزیع کالاها یا پیشرفت فنی و اقتصادی کمک کند؛ دوم آنکه سهم منصفانه‌ای از منافع حاصل برای مصرف‌کنندگان فراهم شود؛ سوم آنکه محدودیت‌های اعمال‌شده برای دستیابی به این اهداف ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشند؛ و چهارم آنکه توافق مذکور رقابت را در بخش قابل توجهی از بازار از بین نبرد.

ماده ۱۰۱ در عمل مبنای مقابله با بسیاری از رفتارهای ضدرقابتی، از جمله کارتل‌ها، تبانی در قیمت‌گذاری، تقسیم بازار و هماهنگی‌های پنهان میان شرکت‌ها است. اجرای این ماده عمدتاً توسط کمیسیون اروپا و مقامات رقابت کشورهای عضو انجام می‌شود و تصمیمات آن‌ها تحت

نظارت دادگاه عمومی و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا قرار دارد. به همین دلیل، ماده ۱۰۱ یکی از ستون‌های اصلی نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا محسوب می‌شود و نقش مهمی در حفظ رقابت مؤثر در بازار داخلی اتحادیه ایفا می‌کند.

ماده ۱۰۱ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا به ممنوعیت توافق‌ها و هماهنگی‌های ضدرقابتی میان بنگاه‌ها اختصاص دارد. بر اساس این ماده، هرگونه توافق، تصمیم یا رویه هماهنگ میان شرکت‌ها که هدف یا اثر آن محدود کردن، تحریف یا جلوگیری از رقابت در بازار داخلی باشد، ممنوع است. این ممنوعیت شامل رفتارهایی مانند تبانی در تعیین قیمت، تقسیم بازار میان رقبا، محدود کردن تولید یا عرضه کالا و تبادل اطلاعات حساس تجاری می‌شود. چنین رفتارهایی معمولاً در قالب کارتل‌ها شکل می‌گیرند و می‌توانند به‌طور مستقیم به افزایش قیمت‌ها، کاهش کیفیت کالاها و محدود شدن انتخاب مصرف‌کنندگان منجر شوند. با این حال، ماده ۱۰۱ مطلق نیست و در بند سوم آن استثنایی پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۱۰۱(۳)، برخی توافق‌ها که ممکن است در ظاهر محدودکننده رقابت باشند، در صورتی که به بهبود تولید یا توزیع کالاها، ارتقای پیشرفت فنی یا اقتصادی و فراهم شدن سهمی عادلانه از منافع برای مصرف‌کنندگان منجر شوند، می‌توانند از شمول ممنوعیت خارج شوند. این استثنا نشان‌دهنده رویکرد انعطاف‌پذیر حقوق رقابت اتحادیه اروپا است که تلاش می‌کند میان جلوگیری از رفتارهای ضدرقابتی و حمایت از کارایی اقتصادی تعادل برقرار کند.

ماده ۱۰۱ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا یکی از بنیادی‌ترین مقررات حقوق رقابت در نظام حقوقی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود و نقش محوری در جلوگیری از توافق‌ها و رفتارهای هماهنگ ضدرقابتی میان بنگاه‌ها دارد. برای درک جایگاه این ماده، لازم است ابعاد مختلف آن و همچنین سیر تاریخی تحول آن در چارچوب تکامل حقوق رقابت اروپایی بررسی شود. این ماده در واقع حاصل روندی طولانی از تحول حقوق اقتصادی اروپا است که از زمان شکل‌گیری بازار مشترک اروپایی آغاز شده و به‌تدریج تکامل یافته است.

ریشه‌های تاریخی ماده ۱۰۱ به پیمان رم ۱۹۵۷ بازمی‌گردد که جامعه اقتصادی اروپا را بنیان نهاد. در این پیمان، مقرره‌ای با عنوان ماده ۸۵ پیمان تأسیس جامعه اقتصادی اروپا (EEC Treaty) پیش‌بینی شد که هدف آن جلوگیری از توافق‌ها و هماهنگی‌های میان بنگاه‌ها بود که می‌توانستند رقابت را در بازار مشترک مختل کنند. در آن زمان، یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای اروپایی جلوگیری از شکل‌گیری کارتل‌ها و توافق‌های محدودکننده رقابت بود؛ زیرا تجربه اقتصادهای اروپایی در نیمه نخست قرن بیستم نشان داده بود که کارتل‌ها می‌توانند موجب تثبیت قیمت‌ها، کاهش تولید و آسیب به مصرف‌کنندگان شوند. بنابراین، ماده ۸۵ پیمان رم، که بعدها به ماده ۱۰۱ تبدیل شد، از همان ابتدا با الهام از برخی اصول حقوق رقابت ایالات متحده، به‌ویژه قانون شرمن، طراحی شد تا مانع از هماهنگی‌های ضدرقابتی میان بنگاه‌ها گردد.

در مرحله نخست اجرای این مقرره، نظام حقوق رقابت اروپا مبتنی بر نظام اعلام و مجوز قبلی بود. بر اساس مقرره شماره ۱۷ شورای اروپا در سال ۱۹۶۲، شرکت‌ها موظف بودند توافق‌هایی را که ممکن بود مشمول ماده ۸۵ باشند، به کمیسیون اروپا اعلام کنند. سپس کمیسیون بررسی می‌کرد که آیا این توافق‌ها با قواعد رقابت سازگار هستند یا می‌توانند از استثنای پیش‌بینی‌شده در بند سوم ماده استفاده کنند. این نظام باعث تمرکز گسترده اختیارات در کمیسیون اروپا شد و عملاً اجرای ماده ۸۵ را در انحصار این نهاد قرار داد. در این دوره، کمیسیون با صدور تصمیمات متعدد و همچنین تدوین آیین‌نامه‌های معافیت گروهی، به‌تدریج چارچوب اجرایی ماده ۸۵ را توسعه داد (Jones & Sufrin, 2019).

با گذشت زمان و گسترش بازار مشترک اروپایی، نیاز به اصلاح نظام اجرای حقوق رقابت احساس شد. افزایش تعداد پرونده‌ها و پیچیدگی فعالیت‌های اقتصادی موجب شد نظام اعلام قبلی کارایی خود را از دست بدهد. به همین دلیل، در اوایل قرن بیست‌ویکم اصلاحات مهمی در

این حوزه صورت گرفت. نقطه عطف این اصلاحات تصویب مقرره شماره ۲۰۰۳/۱ شورای اتحادیه اروپا بود که از سال ۲۰۰۴ به اجرا درآمد. این مقرره نظام سنتی اعلام قبلی را لغو کرد و آن را با نظام اجرای غیرمتمرکز و ارزیابی مستقیم توسط بنگاه‌ها جایگزین نمود. بر اساس این نظام جدید، شرکت‌ها دیگر نیازی به اعلام توافق‌های خود به کمیسیون ندارند، بلکه خود باید ارزیابی کنند که آیا رفتارشان با ماده ۱۰۱ سازگار است یا خیر. در عین حال، کمیسیون اروپا و مقامات رقابت کشورهای عضو اختیار دارند در صورت مشاهده رفتارهای ضدرقابتی وارد عمل شوند. این تحول موجب افزایش کارایی اجرای حقوق رقابت و شکل‌گیری شبکه‌ای از مقامات رقابت در سطح اتحادیه شد که به «شبکه رقابت اروپا» (ECN) معروف است.

از نظر ساختاری، ماده ۱۰۱ دارای سه بند اصلی است که هر یک بعدی از نظام کنترل توافق‌های ضدرقابتی را بیان می‌کند. بند اول این ماده اصل ممنوعیت را بیان می‌کند و هرگونه توافق میان بنگاه‌ها، تصمیمات انجمن‌های بنگاه‌ها و رویه‌های هماهنگ را که هدف یا اثر آن محدود کردن رقابت باشد، ممنوع اعلام می‌کند. در این بند نمونه‌هایی از رفتارهای ممنوع مانند تعیین قیمت‌ها، محدود کردن تولید، تقسیم بازار و اعمال شرایط تبعیض‌آمیز ذکر شده است. بند دوم به آثار حقوقی چنین توافق‌هایی می‌پردازد و مقرر می‌کند که توافق‌های مغایر با بند اول باطل و غیرقابل اجرا هستند. این حکم از نظر عملی اهمیت زیادی دارد، زیرا علاوه بر جریمه‌های احتمالی، خود توافق نیز از نظر حقوقی فاقد اعتبار تلقی می‌شود. بند سوم نیز استثنایی برای برخی توافق‌ها پیش‌بینی می‌کند که اگر موجب بهبود تولید یا توزیع کالاها، پیشرفت فنی یا اقتصادی و در عین حال تأمین سهم منصفانه‌ای از منافع برای مصرف‌کنندگان شوند، ممکن است از ممنوعیت بند اول مستثنا گردند.

در طول دهه‌های گذشته، رویه قضایی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا نقش مهمی در تفسیر و توسعه ابعاد ماده ۱۰۱ داشته است. دادگاه در پرونده‌های مختلف، مفاهیم کلیدی این ماده مانند «توافق»، «رویه هماهنگ» و «اثر بر تجارت میان کشورهای عضو» را تبیین کرده است. برای مثال، در پرونده Consten and Grundig (۱۹۶۶) دیوان تأکید کرد که حتی توافق‌های توزیعی که بازارها را میان شرکت‌ها تقسیم می‌کنند، می‌توانند مشمول ممنوعیت ماده ۱۰۱ شوند. همچنین در پرونده Dyestuffs (۱۹۷۲) مفهوم «رویه هماهنگ» توسعه یافت و دادگاه اعلام کرد که حتی بدون وجود توافق رسمی، هماهنگی رفتاری میان شرکت‌ها نیز ممکن است نقض قواعد رقابت تلقی شود.

در دهه‌های اخیر، اجرای ماده ۱۰۱ به‌طور فزاینده‌ای بر مبارزه با کارتل‌های پنهان متمرکز شده است. کمیسیون اروپا با استفاده از ابزارهایی مانند برنامه‌های ارفاقی یا سیاست‌های ارفاقی تلاش کرده است شرکت‌ها را تشویق کند اطلاعات مربوط به کارتل‌ها را افشا کنند. این سیاست نقش مهمی در کشف بسیاری از کارتل‌های بین‌المللی داشته است و به یکی از ابزارهای اصلی اجرای ماده ۱۰۱ تبدیل شده است.

برنامه‌های ارفاقی یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین ابزارهای اجرایی در حقوق رقابت اتحادیه اروپا هستند که نقش بنیادینی در کشف و فروپاشی کارتل‌های پنهان ایفا می‌کنند. در نظام رقابت اتحادیه اروپا، بسیاری از رفتارهای ضدرقابتی مانند تبانی در قیمت‌گذاری، تقسیم بازار یا محدودسازی تولید به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که هیچ سند رسمی از آن‌ها باقی نماند و اغلب در قالب تماس‌های شفاهی، جلسات غیررسمی یا توافق‌های پنهان میان بنگاه‌ها شکل می‌گیرند. به همین دلیل، کشف این رفتارها از طریق روش‌های سنتی نظارتی مانند بازرسی‌های میدانی یا درخواست اطلاعات بسیار دشوار است. از اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰، کمیسیون اروپا با الهام از تجربه ایالات متحده به سمت استفاده نظام‌مند از برنامه‌های ارفاقی رفت؛ ابزارهایی که بر پایه منطق «شکستن اعتماد میان اعضای کارتل» عمل می‌کنند و شرکت‌ها را تشویق می‌کنند پیش از دیگران به کمیسیون مراجعه کرده و وجود کارتل را افشا کنند تا از مجازات یا بخشی از آن مصون بمانند. اساس این برنامه‌ها

بر نظریه بازی‌ها استوار است، به‌ویژه مدل معروف «معمای زندانی» که نشان می‌دهد چگونه کاهش اعتماد میان اعضای گروه باعث می‌شود هر عضو انگیزه داشته باشد پیش از دیگران همکاری کرده و از مجازات کامل بگریزد.

نخستین تلاش رسمی اتحادیه اروپا در این زمینه با «اعلامیه ارفاقی ۱۹۹۶» آغاز شد، اما این نسخه به دلیل شفافیت اندک و دامنه اختیارات گسترده کمیسیون برای تعیین میزان تخفیف، نتوانست اعتماد کافی بنگاه‌ها را جلب کند. تحول اساسی در اعلامیه ۲۰۰۲ رخ داد که ساختار برنامه را روشن‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر کرد و اصل «اولین مراجعه‌کننده» را تثبیت نمود؛ بدین معنا که نخستین شرکتی که وجود کارتل را افشا کند و مدارک تعیین‌کننده ارائه دهد، می‌تواند از مصونیت کامل برخوردار شود. سپس اعلامیه ۲۰۰۶، که هنوز مبنای رسمی برنامه‌های ارفاقی است، ضوابط دقیق‌تری برای نحوه ارزیابی درخواست‌ها، ارزش افزوده مدارک و میزان تخفیف‌ها وضع کرد و برای نخستین بار ساختار یکسان و منسجم اتحادیه اروپا را برای رسیدگی به پرونده‌های ارفاقی نهادینه ساخت.

در چارچوب اعلامیه ۲۰۰۶، شرکت‌ها برای بهره‌مندی از مصونیت کامل باید نخستین بنگاهی باشند که مدارکی در اختیار کمیسیون می‌گذارند که به کمک آن یا امکان انجام بازرسی ناگهانی در محل شرکت‌ها فراهم شود یا امکان اثبات وجود کارتل در پرونده ایجاد گردد. چنین شرکتی می‌تواند از جریمه‌هایی که معمولاً بسیار سنگین و تا سقف ده درصد گردش مالی جهانی شرکت هستند، به‌طور کامل معاف شود، مشروط بر اینکه بلافاصله مشارکت در کارتل را متوقف کند، در طول فرآیند تحقیق به‌طور کامل و مستمر همکاری کند و درخواست خود را محرمانه نگاه دارد. شرکت‌هایی که پس از متقاضی نخست مراجعه می‌کنند، اگر مدارکی ارائه دهند که ارزش افزوده بیشتری نسبت به اطلاعات موجود ایجاد کند، ممکن است از تخفیف‌های ۲۰ تا ۵۰ درصدی برخوردار شوند؛ میزان دقیق تخفیف تابع کیفیت مدارک، زمان مراجعه و همکاری مستمر شرکت است. اجرای موفق برنامه‌های ارفاقی مستلزم هماهنگی میان سطح اتحادیه و کشورهای عضو است. به همین دلیل، شبکه رقابت اروپا (ECN) «مدل برنامه ارفاقی» خود را در سال ۲۰۰۶ ارائه کرد تا دامنه، معیارها و روندهای مشترکی میان مقامات ملی رقابت ایجاد شود. این مدل به بنگاه‌ها امکان می‌دهد با ارائه «درخواست اجمالی» به مقامات ملی و کمیسیون اروپا، اولویت زمانی خود را در چند حوزه قضایی هم‌زمان حفظ کنند؛ امری که برای کارتل‌هایی با ابعاد فراملی اهمیت ویژه دارد.

برنامه‌های ارفاقی تأثیر چشمگیری بر کشف کارتل‌ها داشته‌اند و در دو دهه اخیر تقریباً تمام پرونده‌های بزرگ کارتلی اتحادیه اروپا، مانند کارتل خودرو، کارتل شیشه، کارتل آسانسور و کارتل مواد شیمیایی، بر پایه همکاری یکی از اعضای کارتل کشف شده‌اند. با این حال، این برنامه‌ها با چالش‌هایی نیز مواجه‌اند. مهم‌ترین آن‌ها نگرانی شرکت‌ها از «دعاوی خصوصی جبران خسارت» است که مطابق دستورالعمل EU/۱۰۴/۲۰۱۴ تقویت شده و به زیان‌دیدگان اجازه می‌دهد علیه شرکت‌های عضو کارتل طرح دعوی کنند. اگرچه متقاضی نخست از جریمه اداری مصون است، اما همچنان ممکن است با دعاوی سنگین خصوصی مواجه شود. افزون بر این، جرم‌انگاری مشارکت در کارتل در برخی کشورهای عضو (مانند ایرلند یا بریتانیا قبل از برگزیت) باعث شده است مدیران از پیامدهای کیفری احتمالی نگران باشند، زیرا مصونیت اتحادیه اروپا لزوماً مصونیت ملی ایجاد نمی‌کند. این عوامل گاهی از جذابیت برنامه‌های ارفاقی برای شرکت‌ها می‌کاهند و ضرورت اصلاحات و تضمین‌های حمایتی را برجسته می‌سازند.

در نهایت، برنامه‌های ارفاقی ستون اصلی سیاست مقابله با کارتل‌ها در اتحادیه اروپا هستند و توانسته‌اند ساختار اجرای ماده ۱۰۱ TFEU را دگرگون کنند. این برنامه‌ها نه‌تنها موجب افزایش کارایی کشف کارتل‌ها شده‌اند، بلکه اثر پیشگیرانه مهمی نیز ایجاد کرده‌اند؛ به‌نحوی که

بسیاری از بنگاه‌ها از ترس خیانت دیگران، رغبت کمتری به مشارکت در توافق‌های پنهانی دارند. بدین‌ترتیب، برنامه‌های ارفاقی یکی از موفق‌ترین ابزارهای سیاست رقابتی در تاریخ اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند و همچنان در کانون توجه اصلاحات حقوق رقابت قرار دارند. در مجموع، سیر تاریخی ماده ۱۰۱ نشان می‌دهد که این مقرره از یک ابزار اولیه برای جلوگیری از توافق‌های محدودکننده رقابت در بازار مشترک، به یک نظام پیچیده و پیشرفته برای تنظیم رقابت در بازار داخلی اتحادیه اروپا تبدیل شده است. تحول از نظام متمرکز مبتنی بر مجوز قبلی به نظام اجرای غیرمتمرکز، گسترش نقش مقامات ملی رقابت و توسعه رویه قضایی دادگاه‌های اروپایی از مهم‌ترین مراحل تکامل این ماده محسوب می‌شوند. این تحولات موجب شده است ماده ۱۰۱ امروز به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی سیاست رقابت اتحادیه اروپا عمل کند و نقش مهمی در حفظ رقابت مؤثر و کارآمد در بازار داخلی ایفا نماید.

ماده ۱۰۲ و منع سوءاستفاده از موقعیت مسلط

ماده ۱۰۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا به ممنوعیت سوءاستفاده از موقعیت مسلط در بازار اختصاص دارد. برخلاف ماده ۱۰۱ که بر توافق میان چند بنگاه تمرکز دارد، این ماده رفتار یک بنگاه یا گروهی از بنگاه‌های دارای قدرت اقتصادی قابل توجه در بازار را مورد نظارت قرار می‌دهد. داشتن موقعیت مسلط در بازار به خودی خود ممنوع نیست، اما استفاده نادرست از این قدرت برای حذف رقبا یا محدود کردن رقابت ممنوع محسوب می‌شود.

نمونه‌هایی از سوءاستفاده از موقعیت مسلط که در ماده ۱۰۲ مورد اشاره قرار گرفته‌اند، شامل تحمیل قیمت‌های ناعادلانه، محدود کردن تولید یا عرضه، اعمال شرایط تبعیض‌آمیز در معاملات با شرکای تجاری و تحمیل تعهدات غیرضروری در قراردادها است. چنین رفتارهایی می‌توانند موجب تضعیف رقابت، حذف بنگاه‌های کوچک‌تر از بازار و در نهایت کاهش رفاه مصرف‌کنندگان شوند. به همین دلیل، کمیسیون اروپا و دادگاه دادگستری اتحادیه اروپا در رویه‌های خود تلاش کرده‌اند معیارهایی برای تشخیص موقعیت مسلط و شناسایی رفتارهای سوءاستفاده‌آمیز ارائه دهند.

در مجموع، مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا چارچوب اصلی کنترل رفتارهای ضدرقابتی در بازار داخلی اتحادیه را تشکیل می‌دهند. این دو ماده با تمرکز بر مقابله با تبانی میان بنگاه‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت اقتصادی، نقش اساسی در حفظ رقابت سالم و حمایت از منافع مصرف‌کنندگان در نظام حقوقی اتحادیه اروپا ایفا می‌کنند.

نقش کمیسیون اروپا در اجرای حقوق رقابت

کمیسیون اروپا مهم‌ترین نهاد اجرایی در نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا به شمار می‌رود و مسئولیت اصلی اجرای مقررات رقابت، نظارت بر رفتار بنگاه‌ها و تضمین حفظ رقابت مؤثر در بازار داخلی اتحادیه را بر عهده دارد. این نهاد در چارچوب اختیاراتی که از معاهدات اتحادیه اروپا و مقررات ثانویه، به‌ویژه مقرره شماره ۲۰۰۳/۱ شورای اتحادیه اروپا، دریافت کرده است، می‌تواند رفتارهای ضدرقابتی بنگاه‌ها را بررسی کرده، تحقیقات لازم را انجام دهد و در صورت احراز تخلف، تصمیمات الزام‌آور صادر کند. نقش فعال کمیسیون اروپا در اجرای حقوق رقابت موجب شده است که این نهاد به‌عنوان محور اصلی سیاست رقابت در اتحادیه اروپا شناخته شود.

در نظام حقوق رقابت اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا نقش مرکزی و تعیین‌کننده‌ای در تضمین رقابت مؤثر و جلوگیری از شکل‌گیری رفتارهای ضدرقابتی دارد. این نهاد، به موجب ماده ۱۷ معاهده اتحادیه اروپا، نگهبان اجرای حقوق اتحادیه و پاسدار عملکرد صحیح بازار داخلی محسوب می‌شود. جایگاه کمیسیون در این حوزه فراتر از یک مرجع اجرایی صرف است و ترکیبی از اختیارات تحقیقاتی، تصمیم‌گیری، انتظامی،

هماهنگی، سیاست‌گذاری و حتی تبیینی را در اختیار دارد. این نقش گسترده بر پایه مقررات اولیه معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (به‌ویژه مواد ۱۰۱ و ۱۰۲) و مقررات ثانویه، به‌ویژه مقرره ۲۰۰۳/۱ در اجرای مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ و مقرره ۲۰۰۴/۱۳۹ در کنترل ادغام‌ها، استوار است.

کمیسیون اروپا مرجع اصلی کشف و اثبات نقض قواعد رقابت است و برای این منظور ابزارهای تحقیقاتی بسیار قدرتمندی در اختیار دارد. این ابزارها شامل دریافت شکایت، آغاز تحقیقات به ابتکار خود، درخواست اطلاعات گسترده از شرکت‌ها، احضار مدیران، انجام بازرسی‌های میدانی در محل شرکت‌ها و حتی بازرسی از اماکن غیرتجاری با مجوز قضایی است. چنین اختیاراتی باعث شده است کمیسیون بتواند پیچیده‌ترین کارتل‌های بین‌المللی و رفتارهای ضدرقابتی در بازارهای دیجیتال را شناسایی کند. پرونده‌هایی مانند Google Shopping، Intel، کامیون‌سازان اروپا و کارتل ویتامین‌ها از مهم‌ترین نمونه‌های استفاده از این اختیارات هستند.

هنگامی که کمیسیون به این نتیجه برسد که ماده ۱۰۱ یا ۱۰۲ نقض شده است، اختیار صدور تصمیمات الزام‌آور دارد. این تصمیمات می‌تواند شامل دستور توقف رفتار غیرقانونی، تعیین جریمه‌های بسیار سنگین تا سقف ده درصد گردش مالی جهانی شرکت، اعمال جریمه روزانه برای عدم اجرای تصمیمات، یا تحمیل اقدامات اصلاحی باشد. اقدامات اصلاحی ممکن است ماهیت رفتاری یا ساختاری داشته باشند؛ از جمله تغییر شروط قرارداد، دسترسی به فناوری یا داده‌ها یا حتی تجزیه ساختاری قسمتی از بنگاه. پرونده مشهور مایکروسافت نمونه بارز استفاده از این اختیارات است، جایی که کمیسیون هم جریمه سنگین و هم دستور ارائه اطلاعات فنی لازم به رقبا را صادر کرد. کمیسیون در کنار ابزارهای تنبیهی، از سازوکار تعهدات نیز بهره می‌گیرد. بر اساس ماده ۹ مقرره ۲۰۰۳/۱، شرکت‌ها می‌توانند برای رفع نگرانی کمیسیون تعهداتی ارائه دهند و کمیسیون با پذیرش آن‌ها پرونده را بدون تعیین جریمه مختومه کند. این تصمیمات ماهیت الزام‌آور دارند و عدم اجرای تعهدات، شرکت را در معرض جریمه‌های جدید قرار می‌دهد. بسیاری از پرونده‌های مربوط به پلتفرم‌های دیجیتال یا محدودیت‌های قراردادی، از جمله پرونده‌های گوگل، آمازون و دویچه‌بان، از طریق این سازوکار حل‌وفصل شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که کمیسیون اروپا در آن نقش پیشگیرانه و ساختاری ایفا می‌کند، کنترل ادغام‌ها است. مقرره ۲۰۰۴/۱۳۹ این اختیار را به کمیسیون می‌دهد که ادغام‌هایی با «بعد اروپایی» را پیش از انجام، ارزیابی کند. هدف اصلی کنترل ادغام، جلوگیری از ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط یا کاهش رقابت در بازار است. کمیسیون می‌تواند ادغام را بی‌قیدوشرط تأیید کند، به شرط اجرای تعهدات اصلاحی اجازه دهد یا آن را ممنوع کند. ممنوعیت ادغام Siemens/Alstom، بررسی دقیق Facebook/WhatsApp و بررسی ادغام Microsoft/LinkedIn نمونه‌هایی از اعمال این نقش هستند.

کمیسیون علاوه بر نقش‌های اجرایی و تحقیقاتی، نقش سیاست‌گذار و راهنما نیز دارد. انتشار انواع راهنماها، دستورالعمل‌ها و اعلامیه‌های تفسیری در حوزه‌هایی مانند همکاری‌های افقی، محدودیت‌های عمودی، تحلیل سوءاستفاده از موقعیت مسلط و تعریف بازار مرتبط، بخش مهمی از فعالیت کمیسیون را تشکیل می‌دهد. این اسناد، رویکرد اقتصادی‌محورتر و تحلیل‌محورتر اجرای قواعد رقابت را تقویت کرده‌اند و مرجعیت جهانی یافته‌اند.

نقش کمیسیون محدود به سطح اتحادیه نیست و این نهاد با مراجع رقابت کشورهای عضو رابطه‌ای نزدیک و ساختاریافته دارد. شبکه رقابت اروپا (ECN) سازوکاری برای هماهنگی اقدامات، تبادل اطلاعات، تخصیص پرونده‌ها و جلوگیری از تعارض تصمیمات میان مقامات ملی و کمیسیون است. این شبکه باعث شده است اجرای رقابت در سراسر اتحادیه هماهنگ و یکپارچه باقی بماند، بدون آنکه استقلال مقامات ملی نقض شود. با توجه به آنکه کمیسیون هم نقش تحقیق‌کننده و هم تصمیم‌گیرنده دارد، تضمین حقوق دفاعی شرکت‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا

می‌کند. برای این منظور، کمیسیون پیش از صدور تصمیم نهایی، بیانیه اعتراضات صادر می‌کند و شرکت‌ها فرصت دفاع کتبی و شفاهی دارند. جلسات استماع با حضور افسر شنود برگزار می‌شود تا از رعایت کامل حقوق طرفین اطمینان حاصل شود. تصمیمات کمیسیون نیز قابل اعتراض در دادگاه عمومی اتحادیه اروپا و سپس دیوان دادگستری هستند. این نظارت قضایی نقش مهمی در تضمین مشروعیت تصمیمات و جلوگیری از سوءاستفاده از اختیارات دارد. در دهه‌های اخیر، نقش کمیسیون در حوزه اقتصاد دیجیتال اهمیت خاصی یافته است. پرونده‌های مربوط به گوگل، اپل، آمازون، متا و سایر پلتفرم‌های بزرگ نشان داده‌اند که کمیسیون در خط مقدم تنظیم رقابت در بازارهای دیجیتال قرار دارد. افزون بر اجرای سنتی قواعد مواد ۱۰۱ و ۱۰۲، کمیسیون اکنون اختیارات جدیدی تحت قانون بازارهای دیجیتال (DMA) در مقابله با «دروازه‌بانان دیجیتال» در اختیار دارد و این امر نقش تنظیم‌گری فعال‌تری به کمیسیون بخشیده است.

این مجموعه گسترده از اختیارات، کمیسیون اروپا را به مهم‌ترین نهاد اجرایی حقوق رقابت در جهان تبدیل کرده است؛ نهادی که نه‌تنها سیاست رقابتی اروپا را هدایت می‌کند، بلکه بسیاری از رویکردهای آن به الگوی جهانی تبدیل شده است.

اختیارات نظارتی

کمیسیون اروپا برای اجرای مؤثر قواعد رقابت از اختیارات نظارتی گسترده‌ای برخوردار است. این اختیارات شامل آغاز تحقیقات درباره توافقات ضدرقابتی یا سوءاستفاده از موقعیت مسلط، درخواست اطلاعات از بنگاه‌ها، انجام بازرسی‌های میدانی و بررسی اسناد و داده‌های تجاری شرکت‌ها می‌شود. این اقدامات معمولاً توسط اداره کل رقابت کمیسیون اروپا انجام می‌گیرد که مسئول اجرای عملی سیاست رقابت در سطح اتحادیه است.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظارتی کمیسیون، بازرسی‌های ناگهانی یا موسوم به "Dawn Raids" است که طی آن مأموران کمیسیون می‌توانند با مجوز قانونی به محل شرکت‌ها مراجعه کرده و اسناد، ایمیل‌ها و اطلاعات مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی را بررسی کنند. هدف از این بازرسی‌ها کشف شواهد مربوط به رفتارهایی مانند تبانی در قیمت‌گذاری یا تقسیم بازار است. علاوه بر این، کمیسیون اروپا می‌تواند در صورت احراز تخلف، جریمه‌های مالی سنگین علیه شرکت‌های متخلف اعمال کند که در برخی موارد تا ده درصد از گردش مالی جهانی شرکت نیز می‌رسد.

اختیارات نظارتی کمیسیون اروپا یکی از ارکان اساسی اجرای حقوق رقابت در اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. این اختیارات با هدف تضمین اجرای مؤثر قواعد رقابت و جلوگیری از رفتارهای ضدرقابتی بنگاه‌ها در بازار داخلی اتحادیه اروپا پیش‌بینی شده‌اند. مبنای حقوقی این اختیارات در درجه نخست در مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) و همچنین در مقرره شماره ۲۰۰۳/۱ شورای اتحادیه اروپا درباره اجرای قواعد رقابت مندرج در این مواد قرار دارد. بر اساس این چارچوب حقوقی، کمیسیون اروپا به‌عنوان نهاد اجرایی اصلی سیاست رقابت در اتحادیه، صلاحیت دارد رفتار بنگاه‌ها را بررسی کرده و در صورت مشاهده رفتارهای محدودکننده رقابت، اقدامات لازم برای توقف آن‌ها را اتخاذ کند.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اختیارات نظارتی کمیسیون اروپا، امکان آغاز تحقیقات درباره رفتارهای اقتصادی بنگاه‌ها است. این تحقیقات ممکن است در پی شکایت اشخاص حقیقی یا حقوقی، گزارش مقامات ملی رقابت یا ابتکار خود کمیسیون آغاز شود. در این مرحله، کمیسیون اروپا با استفاده از ابزارهای تحقیقاتی مختلف تلاش می‌کند اطلاعات لازم برای ارزیابی رفتار بنگاه‌ها و آثار آن بر رقابت در بازار داخلی را جمع‌آوری کند. مطابق ماده ۱۸ مقرره ۲۰۰۳/۱، کمیسیون اختیار دارد از شرکت‌ها، انجمن‌های تجاری و سایر اشخاص مرتبط درخواست ارائه اطلاعات

کند. این اطلاعات ممکن است شامل داده‌های مالی، قراردادهای تجاری، اسناد داخلی شرکت‌ها و سایر مدارکی باشد که برای بررسی وجود توافق‌های ضدرقابتی یا سوءاستفاده از موقعیت مسلط ضروری است. شرکت‌ها موظف‌اند اطلاعات صحیح و کامل ارائه دهند و ارائه اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده می‌تواند موجب اعمال جریمه‌های مالی شود.

علاوه بر درخواست اطلاعات، کمیسیون اروپا از اختیار انجام بازرسی‌های میدانی نیز برخوردار است. مطابق ماده ۲۰ مقرره ۲۰۰۳/۱، مأموران کمیسیون می‌توانند برای کشف تخلفات رقابتی به محل فعالیت شرکت‌ها مراجعه کرده و اسناد و مدارک مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها را بررسی کنند. «بازرسی‌های ناگهانی» به کمیسیون اجازه می‌دهند اسناد تجاری، دفاتر حسابداری، مکاتبات الکترونیکی و سایر داده‌های مرتبط با فعالیت شرکت‌ها را مورد بررسی قرار دهد و در صورت لزوم از آن‌ها نسخه‌برداری کند. همچنین مأموران کمیسیون می‌توانند از مدیران و کارکنان شرکت‌ها درباره موضوع تحقیق توضیح بخواهند. در شرایط خاص و با مجوز مقام قضایی، امکان بازرسی از اماکن غیرتجاری مانند منازل مدیران نیز وجود دارد، به‌ویژه در مواردی که احتمال نگهداری اسناد مربوط به تخلفات رقابتی در این اماکن وجود داشته باشد.

کمیسیون اروپا علاوه بر ابزارهای تحقیقاتی، اختیار اتخاذ اقدامات موقت را نیز در اختیار دارد. بر اساس ماده ۸ مقرره ۲۰۰۳/۱، در مواردی که احتمال ورود خسارت جدی و غیرقابل جبران به رقابت در بازار وجود داشته باشد، کمیسیون می‌تواند پیش از صدور تصمیم نهایی، تدابیر موقتی را برای جلوگیری از ادامه رفتار ضدرقابتی اعمال کند. هدف از این اقدامات جلوگیری از تثبیت شرایط ضدرقابتی در بازار و حفظ ساختار رقابتی تا زمان پایان تحقیقات است. این ابزار به‌ویژه در بازارهایی که تغییرات سریع اقتصادی یا فناوری در آن‌ها رخ می‌دهد، اهمیت قابل توجهی دارد.

از دیگر اختیارات مهم کمیسیون اروپا، امکان پذیرش تعهدات از سوی بنگاه‌ها است. مطابق ماده ۹ مقرره ۲۰۰۳/۱، شرکت‌هایی که رفتار آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است می‌توانند برای رفع نگرانی‌های رقابتی تعهداتی را پیشنهاد کنند. در صورتی که کمیسیون این تعهدات را کافی بداند، می‌تواند آن‌ها را الزام‌آور اعلام کند و بدون آنکه رسماً وقوع تخلف را اعلام کند، پرونده را مختومه سازد. این سازوکار موجب می‌شود در بسیاری از موارد مشکلات رقابتی بازار با سرعت بیشتری حل‌وفصل شود و نیاز به طی کامل فرآیند رسیدگی کاهش یابد (Monti, 2022).

در صورتی که کمیسیون پس از انجام تحقیقات به این نتیجه برسد که رفتار یک بنگاه ناقض مواد ۱۰۱ یا ۱۰۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا است، می‌تواند مطابق ماده ۷ مقرره ۲۰۰۳/۱ تصمیمی مبنی بر توقف رفتار ضدرقابتی صادر کند و شرکت‌ها را ملزم به اصلاح رفتار خود نماید. علاوه بر این، کمیسیون اختیار دارد جریمه‌های مالی قابل توجهی علیه شرکت‌های متخلف اعمال کند. مطابق ماده ۲۳ مقرره ۲۰۰۳/۱، این جریمه‌ها می‌تواند تا سقف ده درصد از گردش مالی جهانی شرکت در سال مالی قبل برسد. چنین ضمانت اجراهایی نقش بازدارندگی مهمی در جلوگیری از رفتارهای ضدرقابتی دارند و از ابزارهای کلیدی اجرای حقوق رقابت در اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند (Whish & Bailey, 2021).

در نهایت، اختیارات نظارتی کمیسیون اروپا در چارچوب همکاری با مقامات ملی رقابت کشورهای عضو اعمال می‌شود. بر اساس مواد ۱۱ تا ۱۶ مقرره ۲۰۰۳/۱، کمیسیون و مقامات ملی رقابت در قالب شبکه‌ای موسوم به «شبکه رقابت اروپا» با یکدیگر همکاری می‌کنند و اطلاعات مربوط به پرونده‌های رقابتی را مبادله می‌نمایند. این همکاری موجب می‌شود اجرای قواعد رقابت در سراسر اتحادیه اروپا هماهنگ و یکپارچه باشد. با وجود گستردگی این اختیارات، تصمیمات کمیسیون اروپا تحت نظارت قضایی دادگاه عمومی و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا قرار

دارد و شرکت‌ها می‌توانند در صورت اعتراض به تصمیمات کمیسیون به این دادگاه‌ها مراجعه کنند. این نظارت قضایی نقش مهمی در تضمین رعایت اصول دادرسی منصفانه و مشروعیت تصمیمات کمیسیون در حوزه حقوق رقابت ایفا می‌کند (Craig & de Búrca, 2020).

بند دوم: فرآیند تصمیم‌گیری رقابتی

فرآیند تصمیم‌گیری رقابتی در اتحادیه اروپا در چارچوب مقررات پیمان عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) و همچنین مقرره شماره ۲۰۰۳/۱ شورای اتحادیه اروپا که به اجرای مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ اختصاص دارد، تنظیم شده است. این فرآیند شامل مجموعه‌ای از مراحل اداری و شبه‌قضایی است که هدف آن بررسی دقیق رفتار بنگاه‌ها، تضمین رعایت حقوق دفاعی طرفین و اتخاذ تصمیمی مبتنی بر اصول رقابت و منافع بازار داخلی اتحادیه اروپا است.

نخستین مرحله در این فرآیند معمولاً با دریافت شکایت از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی، گزارش مقامات ملی رقابت، یا ابتکار خود کمیسیون اروپا آغاز می‌شود. مطابق ماده ۷ مقرره ۲۰۰۳/۱، کمیسیون اروپا در صورتی که پس از انجام تحقیقات به این نتیجه برسد که رفتاری ناقض مواد ۱۰۱ یا ۱۰۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا است، می‌تواند تصمیمی مبنی بر توقف رفتار ضدرقابتی اتخاذ کرده و شرکت‌ها را ملزم به پایان دادن به تخلف کند. در این مرحله، کمیسیون ممکن است اقدامات اصلاحی ساختاری یا رفتاری را نیز برای بازگرداندن شرایط رقابتی در بازار مقرر کند. پس از آغاز تحقیق، کمیسیون اروپا اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و ادله می‌کند. این اختیار در مواد ۱۸ و ۲۰ مقرره ۲۰۰۳/۱ پیش‌بینی شده است. بر اساس ماده ۱۸، کمیسیون می‌تواند از بنگاه‌ها یا اشخاص مرتبط درخواست ارائه اطلاعات کند و آن‌ها موظف‌اند اطلاعات دقیق و کامل ارائه دهند. همچنین مطابق ماده ۲۰، کمیسیون اختیار انجام بازرسی‌های میدانی در محل شرکت‌ها را دارد که شامل بررسی اسناد تجاری، کپی‌برداری از داده‌ها و دسترسی به سیستم‌های اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شود. این بازرسی‌ها که در عمل به «بازرسی‌های سحرگاهی» مشهور هستند، ابزار مهمی برای کشف توافق‌های پنهانی مانند کارتل‌ها به شمار می‌روند.

در صورتی که کمیسیون پس از بررسی اولیه به وجود شواهد کافی درباره نقض قواعد رقابت برسد، بیانیه اعتراضات را صادر می‌کند. این بیانیه سندی رسمی است که در آن اتهامات واردشده به شرکت‌ها و تحلیل حقوقی کمیسیون تشریح می‌شود. صدور این بیانیه بخشی از تضمین حقوق دفاعی شرکت‌ها است، زیرا به آن‌ها امکان می‌دهد از اتهامات مطلع شده و پاسخ خود را ارائه دهند. این مرحله با اصول دادرسی منصفانه در حقوق اتحادیه اروپا و رویه دادگاه دادگستری اتحادیه اروپا نیز هماهنگ است (Craig & de Búrca, 2020).

پس از دریافت بیانیه اعتراضات، شرکت‌های مورد تحقیق حق دارند به پرونده دسترسی داشته باشند، دفاعیات کتبی ارائه کنند و در جلسات استماع شرکت کنند. این جلسات با حضور مقام رسیدگی‌کننده مستقل در کمیسیون برگزار می‌شود و هدف آن تضمین بی‌طرفی و رعایت حقوق طرفین است. در این مرحله، شرکت‌ها همچنین می‌توانند تعهداتی برای رفع نگرانی‌های رقابتی پیشنهاد کنند. مطابق ماده ۹ مقرره ۲۰۰۳/۱، کمیسیون می‌تواند این تعهدات را بپذیرد و بدون صدور حکم تخلف، آن‌ها را برای شرکت‌ها الزام‌آور اعلام کند (Monti, 2022).

در پایان فرآیند، کمیسیون اروپا تصمیم نهایی خود را صادر می‌کند. در صورت احراز نقض مواد ۱۰۱ یا ۱۰۲ TFEU، کمیسیون می‌تواند مطابق ماده ۲۳ مقرره ۲۰۰۳/۱ جریمه‌های مالی قابل توجهی علیه شرکت‌های متخلف اعمال کند که ممکن است تا ۱۰ درصد از گردش مالی جهانی شرکت برسد. علاوه بر این، کمیسیون می‌تواند دستور توقف رفتار ضدرقابتی یا اتخاذ اقدامات اصلاحی را نیز صادر کند. تصمیمات کمیسیون قابل اعتراض در دادگاه عمومی اتحادیه اروپا (General Court) و در مرحله بعد در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU) هستند که این امر نظارت قضایی بر اجرای حقوق رقابت را تضمین می‌کند.

در مجموع، فرآیند تصمیم‌گیری رقابتی در اتحادیه اروپا ترکیبی از تحقیقات اداری، تضمین حقوق دفاعی بنگاه‌ها و نظارت قضایی است که در چارچوب مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا و مقررات اجرایی مانند مقرره ۲۰۰۳/۱ انجام می‌شود. این ساختار چندمرحله‌ای موجب شده است که اجرای قواعد رقابت در اتحادیه اروپا از درجه بالایی از شفافیت، کارآمدی و مشروعیت حقوقی برخوردار باشد. فرآیند تصمیم‌گیری در پرونده‌های رقابتی اتحادیه اروپا معمولاً با طرح شکایت از سوی اشخاص، گزارش مقامات ملی رقابت یا ابتکار خود کمیسیون اروپا آغاز می‌شود. پس از آغاز تحقیق، کمیسیون به جمع‌آوری اطلاعات و بررسی رفتار بنگاه‌ها می‌پردازد. در صورتی که شواهد اولیه نشان‌دهنده احتمال نقض قواعد رقابت باشد، کمیسیون بیانیه اعتراضات را صادر می‌کند که در آن اتهامات واردشده به شرکت‌ها به‌طور رسمی اعلام می‌شود.

پس از صدور این بیانیه، شرکت‌های مورد بررسی حق دارند از خود دفاع کنند، به مدارک دسترسی داشته باشند و پاسخ‌های خود را ارائه دهند. در این مرحله ممکن است جلسات استماع نیز برگزار شود تا طرفین بتوانند دیدگاه‌های خود را مطرح کنند. در نهایت، کمیسیون اروپا با بررسی همه مستندات و دفاعیات، تصمیم نهایی خود را اتخاذ می‌کند. این تصمیم می‌تواند شامل اعلام نقض قواعد رقابت، صدور دستور توقف رفتار ضدرقابتی، پذیرش تعهدات از سوی شرکت‌ها یا اعمال جریمه‌های مالی باشد. تصمیمات کمیسیون اروپا قابل اعتراض در دادگاه عمومی اتحادیه اروپا و در نهایت در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا هستند. این نظارت قضایی نقش مهمی در تضمین مشروعیت و شفافیت تصمیمات رقابتی ایفا می‌کند و به توسعه رویه قضایی در حوزه حقوق رقابت اتحادیه اروپا کمک می‌نماید.

ارزیابی سیاست رقابتی اتحادیه اروپا

سیاست رقابتی اتحادیه اروپا یکی از ارکان اساسی بازار داخلی اتحادیه محسوب می‌شود و هدف اصلی آن حفظ رقابت مؤثر، حمایت از رفاه مصرف‌کنندگان و تضمین کارایی اقتصادی در بازار واحد اروپا است. این سیاست عمدتاً بر اساس مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU)، مقررات مربوط به کنترل ادغام‌ها و قواعد کمک‌های دولتی شکل گرفته است. ارزیابی این سیاست معمولاً از منظر کارآمدی اقتصادی، اثربخشی نهادی و چالش‌های ناشی از تحولات بازار، به‌ویژه در اقتصاد دیجیتال، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نخستین جنبه در ارزیابی سیاست رقابتی اتحادیه اروپا، نقش آن در حفظ ساختار رقابتی بازار است. قواعد رقابت اتحادیه اروپا با ممنوع کردن توافقات ضدرقابتی (ماده ۱۰۱ TFEU) و سوءاستفاده از موقعیت مسلط (ماده ۱۰۲ TFEU) تلاش می‌کند از شکل‌گیری یا تقویت قدرت بازار که می‌تواند به افزایش قیمت‌ها، کاهش نوآوری یا محدود شدن انتخاب مصرف‌کنندگان منجر شود، جلوگیری کند. اجرای این قواعد توسط کمیسیون اروپا و همکاری آن با مقامات رقابت ملی در چارچوب شبکه رقابت اروپا باعث شده است که نظارت بر بازارهای اتحادیه به شکل هماهنگ انجام شود. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که این سازوکار نهادی یکی از نقاط قوت نظام رقابت اتحادیه اروپا است.

جنبه دوم ارزیابی به توسعه رویکرد اقتصادی در اجرای حقوق رقابت مربوط می‌شود. از اوایل دهه ۲۰۰۰، کمیسیون اروپا به‌تدریج به سمت یک رویکرد مبتنی بر تحلیل اقتصادی حرکت کرده است. این تحول در اسناد مهمی مانند Guidance on the Commission's enforcement priorities in applying Article 102 TFEU (۲۰۰۹) دیده می‌شود که تأکید بیشتری بر آثار واقعی رفتار بنگاه‌ها بر رقابت دارد. همچنین در پرونده‌هایی مانند Intel یا Microsoft، تحلیل‌های اقتصادی نقش مهمی در ارزیابی اثرات رفتار بنگاه‌های مسلط ایفا کرده‌اند. این تحول نشان‌دهنده فاصله گرفتن نسبی از رویکرد صرفاً شکلی و حرکت به سوی تحلیل اثرمحور است.

سومین بعد ارزیابی سیاست رقابت اتحادیه اروپا به کنترل ادغام شرکت‌ها مربوط می‌شود. بر اساس مقرره ادغام اتحادیه اروپا (Council Regulation 139/2004)، کمیسیون اروپا اختیار بررسی ادغام‌هایی را دارد که می‌توانند به شکل قابل توجهی رقابت مؤثر را در بازار داخلی مختل کنند. این نظام کنترل ادغام‌ها به‌ویژه در جلوگیری از ایجاد یا تقویت موقعیت مسلط اهمیت دارد. پرونده‌هایی مانند Airtours v Commission یا GE/Honeywell نشان داده‌اند که تحلیل دقیق ساختار بازار و آثار احتمالی ادغام‌ها بر رقابت از عناصر کلیدی در تصمیم‌گیری کمیسیون است. با این حال، برخی منتقدان معتقدند که در مواردی تحلیل کمیسیون بیش از حد محتاطانه بوده و ممکن است مانع شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ اروپایی در رقابت جهانی شود.

چهارمین جنبه مهم در ارزیابی این سیاست، چالش‌های ناشی از اقتصاد دیجیتال و پلتفرم‌های بزرگ فناوری است. ظهور شرکت‌هایی مانند Google، Apple، Amazon و Meta باعث شده است که مفاهیمی مانند قدرت بازار مبتنی بر داده، اثرات شبکه‌ای و اکوسیستم‌های دیجیتال در تحلیل رقابت اهمیت بیشتری پیدا کنند. اتحادیه اروپا برای پاسخ به این چالش‌ها، علاوه بر اجرای قواعد سنتی رقابت، ابزارهای جدیدی مانند قانون بازارهای دیجیتال را نیز تصویب کرده است. هدف این قانون ایجاد قواعد پیشگیرانه برای پلتفرم‌های بزرگ موسوم به «دروازه‌بانان» است تا از بروز رفتارهای ضدرقابتی جلوگیری شود.

در مجموع، بسیاری از پژوهشگران سیاست رقابتی اتحادیه اروپا را یکی از پیشرفته‌ترین و منسجم‌ترین نظام‌های رقابت در جهان می‌دانند. نقاط قوت این نظام شامل استقلال نسبی کمیسیون اروپا در اجرای قواعد رقابت، توسعه تحلیل اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها و همکاری نزدیک با مقامات ملی رقابت است. با این حال، چالش‌هایی مانند سرعت تحولات فناوری، پیچیدگی بازارهای دیجیتال و ضرورت ایجاد تعادل میان رقابت و سیاست صنعتی اروپا همچنان در مرکز بحث‌های علمی و سیاست‌گذاری قرار دارند.

نقاط قوت سیاست رقابتی اتحادیه اروپا

سیاست رقابتی اتحادیه اروپا یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی برای تضمین کارکرد صحیح بازار داخلی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. این سیاست با هدف حفظ رقابت مؤثر، جلوگیری از ایجاد یا تقویت قدرت بازار و حمایت از رفاه مصرف‌کنندگان طراحی شده است. در ارزیابی این سیاست، پژوهشگران حقوق رقابت چندین نقطه قوت اساسی را شناسایی کرده‌اند که نشان‌دهنده کارآمدی و انسجام نظام رقابتی اتحادیه اروپا است.

نخستین نقطه قوت، چارچوب حقوقی منسجم و نسبتاً جامع این نظام است. قواعد اصلی رقابت در اتحادیه اروپا در مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU) پیش‌بینی شده‌اند. ماده ۱۰۱ به ممنوعیت توافقات و رویه‌های هماهنگ میان بنگاه‌ها که موجب محدود شدن رقابت می‌شوند می‌پردازد، در حالی که ماده ۱۰۲ سوءاستفاده از موقعیت مسلط را ممنوع می‌کند. در کنار این دو ماده، مقررات تکمیلی مهمی مانند مقرره ۲۰۰۳/۱ درباره اجرای قواعد رقابت و مقرره ۲۰۰۴/۱۳۹ درباره کنترل ادغام‌ها نیز وجود دارند. این چارچوب حقوقی به‌گونه‌ای طراحی شده است که طیف گسترده‌ای از رفتارهای ضدرقابتی، از کارتل‌ها و تبانی‌ها گرفته تا سوءاستفاده از قدرت بازار و ادغام‌های ضدرقابتی، را پوشش دهد. وجود چنین نظام حقوقی منسجمی باعث شده است که قواعد رقابت در سراسر بازار داخلی اتحادیه اروپا به‌صورت نسبتاً یکنواخت اجرا شوند.

دومین نقطه قوت سیاست رقابتی اتحادیه اروپا، نقش قدرتمند کمیسیون اروپا در اجرای این قواعد است. کمیسیون اروپا به‌عنوان نهاد اصلی اجرای حقوق رقابت در سطح اتحادیه از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است. این اختیارات شامل انجام تحقیقات، درخواست اطلاعات از

شرکت‌ها، انجام بازرسی‌های سرزده موسوم به Dawn Raids، صدور بیانیه اعتراضات و در نهایت اتخاذ تصمیماتی مانند تحمیل جریمه یا الزام به تغییر رفتار شرکت‌ها است. در پرونده‌های بزرگ رقابتی، کمیسیون می‌تواند جریمه‌هایی تا سقف ده درصد از گردش مالی جهانی شرکت تعیین کند که این امر ابزار بازدارنده بسیار قدرتمندی محسوب می‌شود. در عین حال، تصمیمات کمیسیون تحت نظارت دادگاه عمومی اتحادیه اروپا و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا قرار دارند که این موضوع به تضمین رعایت حقوق دفاعی شرکت‌ها و مشروعیت تصمیمات کمک می‌کند.

نقطه قوت مهم دیگر، همکاری نهادی میان کمیسیون اروپا و مقامات ملی رقابت کشورهای عضو است. با تصویب مقرره ۲۰۰۳/۱، نظام اجرای حقوق رقابت اتحادیه اروپا تا حد زیادی غیرمتمرکز شد و مقامات ملی رقابت نیز اختیار اجرای مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ TFEU را پیدا کردند. برای هماهنگی میان این نهادها، شبکه رقابت اروپا ایجاد شد. این شبکه امکان تبادل اطلاعات، هماهنگی تحقیقات و تقسیم کار میان کمیسیون و مقامات ملی را فراهم می‌کند. نتیجه این همکاری، افزایش کارایی در رسیدگی به پرونده‌های رقابتی و جلوگیری از صدور تصمیمات متناقض در کشورهای مختلف است.

از دیگر نقاط قوت سیاست رقابتی اتحادیه اروپا، توسعه تدریجی رویکرد اقتصادی در تحلیل پرونده‌های رقابتی است. در گذشته، حقوق رقابت اتحادیه اروپا بیشتر بر مبنای یک رویکرد شکلی یا حقوقی اعمال می‌شد؛ اما از اوایل دهه ۲۰۰۰ به بعد، کمیسیون اروپا به سمت استفاده گسترده‌تر از تحلیل‌های اقتصادی حرکت کرده است. در این رویکرد که به‌عنوان رویکرد مبتنی بر تأثیرات شناخته می‌شود، تمرکز بر بررسی آثار واقعی رفتار بنگاه‌ها بر رقابت و رفاه مصرف‌کنندگان است. این تحول در اسناد سیاستی کمیسیون، از جمله Guidance on the Commission's enforcement priorities in applying Article 102 TFEU (۲۰۰۹)، و همچنین در رویه قضایی در پرونده‌هایی مانند Intel قابل مشاهده است. استفاده از تحلیل‌های اقتصادی پیچیده‌تر باعث شده است که تصمیمات رقابتی دقیق‌تر و مبتنی بر شواهد اقتصادی باشند.

یکی دیگر از نقاط قوت این نظام، توانایی آن در تطبیق با تحولات اقتصادی و فناوری است. در سال‌های اخیر، رشد سریع اقتصاد دیجیتال و ظهور پلتفرم‌های بزرگ فناوری چالش‌های جدیدی برای حقوق رقابت ایجاد کرده‌اند. اتحادیه اروپا در پاسخ به این تحولات، علاوه بر استفاده از ابزارهای سنتی رقابت، چارچوب‌های جدیدی نیز ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها قانون بازارهای دیجیتال (Digital Markets Act – DMA) است که در سال ۲۰۲۲ تصویب شد. این قانون برای پلتفرم‌های بزرگ دیجیتال که نقش «دروازه‌بان» در بازار دارند، تعهدات خاصی ایجاد می‌کند تا از رفتارهای ضدرقابتی مانند خودترجیحی یا محدود کردن دسترسی رقبا به داده‌ها جلوگیری شود. این اقدام نشان‌دهنده تلاش اتحادیه اروپا برای به‌روز نگه داشتن سیاست رقابت در مواجهه با اقتصاد دیجیتال است.

چالش‌های سیاست رقابتی اتحادیه اروپا

با وجود نقاط قوت قابل توجه، سیاست رقابتی اتحادیه اروپا با چالش‌ها و انتقاداتی نیز مواجه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها پیچیدگی روزافزون بازارها، به‌ویژه در اقتصاد دیجیتال، است. در بازارهای دیجیتال، قدرت بازار اغلب ناشی از عواملی مانند اثرات شبکه‌ای، دسترسی به داده‌های گسترده، الگوریتم‌های پیشرفته و اکوسیستم‌های پلتفرمی است. این عوامل می‌توانند به‌سرعت باعث شکل‌گیری موقعیت‌های مسلط شوند و در عین حال شناسایی و اثبات سوءاستفاده از چنین قدرتی را دشوارتر کنند. بنابراین، برخی پژوهشگران معتقدند که ابزارهای سنتی حقوق رقابت ممکن است برای مقابله با این پدیده‌ها کافی نباشند.

چالش دیگر مربوط به طولانی بودن فرآیند رسیدگی به پرونده‌های رقابتی است. تحقیقات کمیسیون اروپا اغلب بسیار پیچیده و زمان‌بر هستند و ممکن است چندین سال طول بکشند. علاوه بر این، پس از صدور تصمیم کمیسیون، شرکت‌ها می‌توانند آن را در دادگاه عمومی و سپس در دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به چالش بکشند. این فرآیند چندمرحله‌ای ممکن است باعث شود که اجرای نهایی تصمیمات رقابتی سال‌ها به طول انجامد. در بازارهای سریع‌التغییر، به‌ویژه در بخش فناوری، این تأخیر می‌تواند اثربخشی سیاست رقابت را کاهش دهد.

مسئله مهم دیگر در ارزیابی سیاست رقابتی اتحادیه اروپا، تنش میان اهداف سیاست رقابت و سیاست صنعتی اتحادیه است. برخی سیاست‌گذاران و اقتصاددانان معتقدند که سخت‌گیری در کنترل ادغام‌ها ممکن است مانع ایجاد شرکت‌های بزرگ اروپایی شود که بتوانند در سطح جهانی با شرکت‌های قدرتمند آمریکایی یا آسیایی رقابت کنند. این بحث به‌ویژه پس از برخی تصمیمات کمیسیون در ممنوعیت ادغام شرکت‌های بزرگ صنعتی، مانند پرونده Siemens/Alstom در بخش حمل‌ونقل ریلی، شدت گرفته است. منتقدان استدلال می‌کنند که اتحادیه اروپا باید میان حفظ رقابت در بازار داخلی و تقویت توان رقابتی شرکت‌های اروپایی در سطح جهانی تعادل برقرار کند.

چالش دیگر به هماهنگی میان اجرای قواعد رقابت در سطح اتحادیه و سطح ملی مربوط می‌شود. اگرچه شبکه رقابت اروپا نقش مهمی در هماهنگی میان مقامات رقابت ایفا می‌کند، اما همچنان تفاوت‌هایی در منابع، ظرفیت‌های نهادی و اولویت‌های اجرایی میان کشورهای عضو وجود دارد. این تفاوت‌ها می‌توانند در برخی موارد به اجرای نابرابر قواعد رقابت در کشورهای مختلف منجر شوند.

در نهایت، افزایش استفاده از تحلیل‌های اقتصادی پیچیده در پرونده‌های رقابتی نیز می‌تواند چالشی برای شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی ایجاد کند. هرچند این تحلیل‌ها دقت تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهند، اما ممکن است درک و پیش‌بینی نتایج حقوقی برای شرکت‌ها دشوارتر شود. در نتیجه، یکی از چالش‌های آینده سیاست رقابت اتحادیه اروپا یافتن تعادلی میان تحلیل اقتصادی پیشرفته و شفافیت حقوقی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

حقوق رقابت اتحادیه اروپا یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی برای تضمین کارکرد صحیح بازار داخلی و حفظ رقابت مؤثر در اقتصاد اتحادیه محسوب می‌شود. این نظام حقوقی با تکیه بر مقررات اساسی معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، به‌ویژه مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ TFEU، و همچنین مقررات مربوط به کنترل ادغام‌ها و همکاری میان مقامات رقابتی، چارچوبی جامع برای مقابله با رفتارهای ضدرقابتی شرکت‌ها فراهم کرده است. هدف اصلی این قواعد جلوگیری از ایجاد یا تقویت قدرت بازار به نحوی است که بتواند رقابت مؤثر، رفاه مصرف‌کنندگان و نوآوری اقتصادی را تضعیف کند.

بررسی رویه قضایی دیوان دادگستری اتحادیه اروپا و تصمیمات کمیسیون نشان می‌دهد که مفهوم موقعیت مسلط و سوءاستفاده از آن به‌تدریج از طریق پرونده‌های مهمی مانند United Brands، Hoffmann La Roche، Commercial Solvents، Microsoft و Intel توسعه یافته است. این پرونده‌ها نه‌تنها معیارهای تشخیص موقعیت مسلط را روشن کرده‌اند، بلکه انواع رفتارهایی را که می‌توانند به‌عنوان سوءاستفاده از قدرت بازار تلقی شوند نیز مشخص کرده‌اند؛ از جمله قیمت‌گذاری تبعیض‌آمیز، تخفیف‌های وفاداری، امتناع از عرضه، بستن بازار به روی رقبا و الحاق محصولات. از خلال این رویه‌ها می‌توان دریافت که حقوق رقابت اتحادیه اروپا تلاش کرده است تعادلی میان حفظ رقابت در بازار و جلوگیری از محدود شدن کارایی اقتصادی و نوآوری برقرار کند.

از منظر نهادی نیز سیاست رقابتی اتحادیه اروپا از ساختاری نسبتاً کارآمد برخوردار است. کمیسیون اروپا به‌عنوان مرجع اصلی اجرای قواعد رقابت دارای اختیارات گسترده تحقیق و تصمیم‌گیری است و در عین حال تصمیمات آن تحت نظارت دادگاه عمومی و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا قرار دارد. علاوه بر این، ایجاد شبکه رقابت اروپا (ECN) موجب شده است که همکاری میان کمیسیون و مقامات رقابت کشورهای عضو تقویت شود و اجرای قواعد رقابت در سراسر اتحادیه به شکل هماهنگ‌تری انجام گیرد. چنین ساختاری باعث شده است که اتحادیه اروپا یکی از مؤثرترین نظام‌های اجرای حقوق رقابت در سطح جهانی را داشته باشد.

در عین حال، تحولات اقتصادی و فناوری چالش‌های جدیدی برای سیاست رقابت اتحادیه اروپا ایجاد کرده است. گسترش اقتصاد دیجیتال، افزایش اهمیت داده‌ها و ظهور پلتفرم‌های بزرگ فناوری موجب شده است که ابزارهای سنتی حقوق رقابت در برخی موارد با محدودیت‌هایی مواجه شوند. به همین دلیل، اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر تلاش کرده است از طریق ابزارهای جدیدی مانند قانون بازارهای دیجیتال (Digital Markets Act) و توسعه تحلیل‌های اقتصادی در اجرای ماده ۱۰۲ TFEU، پاسخ مناسبی به این تحولات ارائه دهد. این اقدامات نشان‌دهنده تلاش برای تطبیق سیاست رقابت با شرایط جدید اقتصاد جهانی است.

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی مانند پیچیدگی تحلیل‌های اقتصادی، طولانی بودن فرآیند رسیدگی به پرونده‌های رقابتی و ضرورت ایجاد تعادل میان سیاست رقابت و سیاست صنعتی اتحادیه همچنان در مرکز مباحث علمی و سیاست‌گذاری قرار دارند. در نتیجه، آینده سیاست رقابتی اتحادیه اروپا تا حد زیادی به توانایی این نظام در ایجاد توازن میان حفظ رقابت مؤثر، حمایت از نوآوری و پاسخ‌گویی به تحولات سریع اقتصادی و فناوری بستگی خواهد داشت.

در مجموع، مطالعه قواعد و رویه‌های حقوق رقابت اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که این نظام حقوقی توانسته است چارچوبی نسبتاً مؤثر برای کنترل قدرت بازار و حمایت از رقابت فراهم کند. با این حال، پویایی اقتصاد جهانی و تغییرات سریع در ساختار بازارها ایجاب می‌کند که این نظام همچنان در حال بازنگری و تکامل باشد تا بتواند نقش خود را در تضمین رقابت آزاد و عادلانه در بازار داخلی اتحادیه اروپا حفظ کند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The regulation of economic relations and the preservation of properly functioning markets have become central concerns of contemporary public economic law, particularly in legal systems in which private economic freedom operates alongside extensive regulatory intervention by public authorities. The experience of modern market economies has demonstrated that reliance on market mechanisms alone cannot necessarily prevent excessive concentration of economic power, monopolization, collusion, and other forms of conduct capable of undermining effective competition. Competition law has therefore developed not merely as a body of technical rules governing market conduct but also as an institutional and normative mechanism through which public authorities seek to reconcile economic freedom with the protection of broader public interests. Within the European Union, this

function is especially significant because competition rules contribute both to the integration of the internal market and to the regulation of private economic power across national borders. The historical development of European competition law reflects this dual objective. Its roots can be traced to the post-war process of European economic integration, particularly the establishment of the European Coal and Steel Community and subsequently the Treaty of Rome, through which competition rules became an integral component of the emerging common market. Over time, the European competition regime evolved from an instrument primarily concerned with market integration into a sophisticated system directed toward preserving effective competition, economic efficiency, consumer welfare, and the integrity of the internal market. From the perspective of public economic law, the significance of this development lies in the transformation of competition policy into a form of economic governance through which public institutions regulate market power, discipline both private and public economic actors, and establish legal limits on conduct capable of distorting competitive processes (Cini & McGowan, 2009; Gerber, 2000; van den Bergh & Camesasca, 2006).

The substantive foundation of European Union competition law is primarily contained in Articles 101 and 102 of the Treaty on the Functioning of the European Union (TFEU), supplemented by merger-control rules, state-aid provisions, secondary legislation, and extensive judicial interpretation. Article 101 addresses agreements between undertakings, decisions by associations of undertakings, and concerted practices that have as their object or effect the prevention, restriction, or distortion of competition within the internal market. Its scope includes classic anticompetitive practices such as price fixing, market sharing, output restrictions, discriminatory trading conditions, and other forms of coordination through which undertakings substitute cooperation for independent competitive conduct. Paragraph 3 of Article 101, however, introduces an important efficiency-based exception by recognizing that certain restrictive agreements may be permissible where they contribute to improvements in production or distribution, promote technical or economic progress, provide consumers with a fair share of the resulting benefits, impose only indispensable restrictions, and do not eliminate competition in a substantial part of the market. Article 102, by contrast, regulates unilateral conduct by undertakings holding a dominant position and prohibits the abuse, rather than the mere possession, of such dominance. The provision addresses conduct such as unfair pricing, limitation of production, discriminatory conditions, exclusionary practices, tying, and other strategies through which dominant firms may distort market structures or exclude effective competitors. Taken together, Articles 101 and 102 establish a complementary framework for controlling both coordinated and unilateral exercises of private economic power, thereby protecting the competitive process itself while also pursuing consumer-oriented and efficiency-based objectives. The evolution of these provisions demonstrates that European Union competition law increasingly combines formal legal analysis with economic assessment, particularly in determining market power, competitive effects, efficiencies, and consumer harm (Jones & Sufrin, 2019; Monti, 2022; Whish & Bailey, 2021).

The institutional architecture of European Union competition law is equally important from the perspective of public economic governance. The European Commission occupies the central position in the enforcement system and exercises extensive investigative, administrative, regulatory, and sanctioning powers. Under Regulation 1/2003, the Commission may initiate proceedings on its own initiative or following complaints, request detailed information from undertakings and trade associations, conduct inspections and unannounced searches, interview relevant persons, issue statements of objections, adopt binding infringement decisions, impose behavioral or structural

remedies, accept commitments, and impose substantial financial penalties for violations of Articles 101 and 102 TFEU. These powers make the Commission one of the most influential competition authorities in the world and allow it to respond to complex forms of anticompetitive conduct, including international cartels and exclusionary practices in technologically advanced markets. At the same time, the concentration of investigative and decision-making powers within a single administrative institution raises important questions concerning procedural fairness, institutional balance, accountability, and the protection of the rights of defense. European Union law addresses these concerns through procedural safeguards, including access to the file, the right to respond to objections, oral hearings, the role of the Hearing Officer, and judicial review by the General Court and the Court of Justice of the European Union. Judicial supervision is particularly significant because it permits review of the Commission's legal reasoning, economic assessment, evidentiary findings, procedural conduct, and proportionality of sanctions. The resulting structure is therefore neither purely administrative nor purely judicial; rather, it constitutes a multilayered model of economic regulation in which specialized administrative enforcement is combined with judicial control to enhance legality and legitimacy (Craig & de Búrca, 2020; Monti, 2022; Whish & Bailey, 2021).

A further important feature of the European Union competition regime is the decentralization and coordination of enforcement through the European Competition Network (ECN), which links the European Commission with national competition authorities in the Member States. The modernization process introduced by Regulation 1/2003 replaced the previous centralized notification system with a more decentralized model in which both the Commission and national authorities may directly apply Articles 101 and 102. This transformation significantly increased enforcement capacity and enabled competition cases to be allocated to the authority best positioned to address the relevant conduct, while mechanisms for information exchange and coordination reduced the risk of inconsistent outcomes. The same regulatory logic can be observed in leniency policy, which has become one of the most significant instruments for detecting secret cartels. Because cartel arrangements are typically concealed and difficult to uncover through ordinary investigative techniques, leniency programs seek to destabilize cooperation among cartel members by offering immunity or reduced fines to undertakings that disclose the existence of a cartel and provide valuable evidence. The European Union progressively refined this mechanism through its 1996, 2002, and 2006 Leniency Notices, while the ECN Model Leniency Programme sought to increase consistency between national and Union-level procedures. These mechanisms have strengthened deterrence by increasing uncertainty among cartel participants and improving the Commission's capacity to uncover unlawful coordination. Nevertheless, the effectiveness of leniency policy may be affected by the expansion of private damages actions, the possibility of criminal liability in certain national systems, and concerns regarding the interaction between administrative immunity and other forms of legal exposure. These tensions illustrate how European competition enforcement increasingly operates within a broader system of public and private legal remedies rather than through administrative sanctions alone (Cini & McGowan, 2009; Jones & Sufrin, 2019; Monti, 2022).

The strengths and challenges of European Union competition policy become particularly visible when the system is evaluated in light of recent economic and technological transformations. Among its principal strengths are the coherence of its legal framework, the extensive powers and institutional expertise of the European Commission, the existence of structured judicial review, the coordination of national enforcement authorities, and the gradual incorporation of increasingly

sophisticated economic analysis into legal decision-making. The move toward a more effects-based approach has encouraged closer examination of market structure, foreclosure, consumer harm, efficiencies, and the actual competitive consequences of business conduct rather than exclusive reliance on formal categories. At the same time, this evolution has created new difficulties. Complex economic analysis may reduce legal predictability and make enforcement outcomes more difficult for undertakings to anticipate, while lengthy administrative and judicial proceedings may reduce the effectiveness of intervention in rapidly changing markets. These concerns have become especially significant in digital markets, where network effects, data accumulation, platform ecosystems, economies of scale, and rapid technological development can reinforce market power more quickly than traditional enforcement procedures can respond. The emergence of major digital platforms has therefore encouraged the European Union to supplement traditional competition-law instruments with new ex ante regulatory mechanisms, most notably the Digital Markets Act, which imposes specific obligations on designated digital gatekeepers. Another continuing challenge concerns the relationship between competition policy and industrial policy. Strict merger control and the prevention of market concentration may protect internal competition, but they may also generate political debate where Member States seek to promote large European firms capable of competing internationally. These tensions demonstrate that competition policy operates within a broader field of economic governance in which consumer welfare, efficiency, innovation, market integration, industrial competitiveness, and public intervention must continually be balanced (Monti, 2022; Samavati, 2015; Van Berg, 2009; Whish & Bailey, 2021).

In conclusion, European Union competition law represents a highly developed system of public economic regulation through which market power is subjected to legal discipline in order to preserve effective competition within the internal market. Its substantive foundations in Articles 101 and 102 TFEU, together with merger control, institutional cooperation, judicial review, and specialized enforcement mechanisms, have created a comprehensive framework capable of addressing both coordinated and unilateral restrictions on competition. The system has evolved significantly from its original market-integration function and now encompasses broader objectives related to economic efficiency, consumer welfare, innovation, market openness, and the regulation of private economic power. Its institutional design, particularly the central role of the European Commission combined with judicial oversight and cooperation through the European Competition Network, has contributed to a relatively coherent and effective model of enforcement. Nevertheless, the development of digital markets, the growing complexity of economic analysis, the duration of competition proceedings, and the tension between competition policy and industrial strategy demonstrate that the system remains subject to significant pressures. From the perspective of public economic law, the most important characteristic of European Union competition law is therefore its continuing effort to construct an appropriate relationship between economic freedom and public regulation. Its future effectiveness will depend on its capacity to preserve competitive market structures while simultaneously responding to technological transformation, new forms of economic concentration, innovation incentives, and the broader public-interest objectives that increasingly shape modern economic governance.

References

Cini, M., & McGowan, L. (2009). *Competition Policy in the European Union*. Palgrave Macmillan.

Craig, P., & de Búrca, G. (2020). *EU Law: Text, Cases, and Materials*. Oxford University Press.

Gerber, D. (2000). *Law and Competition in the Twentieth Century: Protecting Prometheus*. Oxford University Press.

Jones, A., & Sufrin, B. (2019). *EU Competition Law: Text, Cases, and Materials*. Oxford University Press.

Monti, G. (2022). *EC Competition Law*. Cambridge University Press.
Samavati, H. (2015). *An Introduction to Commercial Competition Law and Its Role in Policymaking and Market Regulation*. Ferdowsi Publications.
Van Berg, V. J. (2009). *Consumer Welfare, Total Welfare and Economic Freedom: On the Normative Foundations of Competition Policy*.
van den Bergh, R., & Camesasca, P. D. (2006). *European Competition Law and Economics: A Comparative Perspective*. Sweet & Maxwell.
Whish, R., & Bailey, D. (2021). *Competition Law* (10 ed.). Oxford University Press.